

# صورت و معنا

معماری مدارس

ثمانه ایروانی

وقتی شنیدیم که یکی از مدارس تهران برای تأثیرگذاری بیشتر فضا بر جنبه‌های آموزشی نماهای مدرسه خود را براساس فرهنگ معماری اسلامی و ایرانی طراحی و بازسازی کرده است، مشتاقانه به آن مدرسه رفتیم. آنچه دیدیم بسیار زیبا، جذاب و تأثیرگذار بود. در بین ساختمان‌های بلند مسکونی اطراف مدرسه، چشمانمان به دیدن ساختمانی با نمای آجری روشن شد. وقتی برای گفت‌وگو با مسئولان مدرسه وارد فضای داخلی آن شدیم مشاهده کردیم که نمای داخل مدرسه هیچ تغییری نکرده بود و متعجب شدیم. به نظر می‌رسد در مقوله‌های فرهنگی مانند: محتوا، فضا و... باید قرابتی بین درون و بیرون، ظاهر و باطن، صورت و معنا باشد تا بتواند بیش از پیش تأثیرگذار باشد.

## نمای قدیمی

مدیر مدرسه می‌گوید: از سال ۷۱ تا ۹۱ نمای مدرسه سیمانی بود؛ سیمانی سفید، با انبوهی از پنجره‌های ساده، که هر یک یا دو پنجره یک کلاس درس را نشان می‌داد؛ نمای ساده بدون هیچ‌گونه عقب‌رفتگی یا جلوامدگی با نوشته‌هایی از بزرگان. مدیر ادامه می‌دهد: چند سالی می‌شد که در فکر تغییر نما بودیم. همیشه گوشه‌ای از ذهنم این دغدغه را داشتم که نمای مدرسه را تغییر دهیم، اما بودجه کافی نداشتیم تا اینکه...



## نمای جدید

مدیر مدرسه می‌گوید: سال ۹۱ از اول تابستان، از ۶ صبح تا ۱۰ شب کارگران مشغول به کار بودند، به طوری که شب اول مهر ماه فرصت کردیم حیاط مدرسه را بشوریم و برای ورود بچه‌ها آماده کنیم. کار سختی بود. حالا نما سنتی و بسیار زیباست؛ نمایی آجری، تیره رنگ و تزئین شده با رنگ‌های فیروزه‌ای. همه در بدو ورود محو آرامش و سکون این نما می‌شوند، شبیه همان احساسی که وقتی وارد بناهای قدیمی ایرانی آن هم از نوع صفوی می‌شویم به انسان دست می‌دهد. از نمای قبلی بسیار زیباتر است. پنجره‌ها نیز دوجداره شده‌اند. مبلغی حدود ۳۰۰ میلیون تومان هزینه نما ساختمان و دیوار مدرسه و همچنین سردر مدرسه شده است. هر جای نمای تعمیر شده را با دلیل ساخته‌اند. پنج ستون، به نیت پنج تن و هر ستون هشت پر دارد به نیت امام هشتم که مزارش در ایران است. هر آجری به دلیلی خاص در جایی قرار گرفته است و دقت بسیار زیادی در اجزای آن به کار رفته است. کار معماری سنتی اسلامی است.

رهگذران و والدین مدرسه بسیار از طرح نما لذت می‌برند و می‌گویند ساخت دوباره نما با معماری سنتی و شمشه‌هایی که زیر سقف ورودی مدرسه تعبیه شده، با دردی پر از طرح‌های هندسی اسلامی، به فضا جانی دوباره بخشیده است.

## لباس زیبای نما روی طرح قبلی

اگر به مدرسه نگاهی عمیق‌تر بیندازیم، متوجه می‌شویم که عمق معماری مدرسه تغییری نکرده است. مثل این است که لباسی ژنده و پلاستیک را از تن کودکی درآوردید و بپوشانید و لباسی نو، مرتب و زیبا بر تنش کرده‌اید. اما آنچه زیر این لباس پنهان است، همان کودک است بدون هیچ تغییری. درست است که نمای جدید بسیاری از عیوب قبلی را پوشانده و به حیاط مدرسه و زیبایی ظاهری مدرسه افزوده است، اما وقتی در اصلی ساختمان را باز می‌کنیم، باز همان راهرو است و کلاس و کلاس. البته مدیر مدرسه قصد دارد در سال‌های بعد، طراحی داخلی بنا را نیز به نمای ساختمان نزدیک کند. اما این هم چیزی نیست جز اینکه لباس‌های پنهانی‌تر را نیز زیباتر کنید، در حالی که کودک همچنان همان کودک است. اگر معماری فراهم کردن فضایی برای نیازهای جدید آموزشی (که همان دادن آزادی به دانش‌آموز در فرایند یادگیری است) را در نظر نگیرید، و فقط به آجری و فیروزه‌ای کردن و جزئیات طراحی نما بسنده کند، و مدل فعلی کلاس کلاس و زنگ، زنگ، سلول، زنگ، سلول (که همان سیاست آموزشی نادرست ماست) است را حفظ کند، چندان فایده‌ای نخواهد داشت. طفل را دریابید و بعد لباس زیبا بر تنش کنید. تغییرات اساسی در مدرسه‌تان به وجود آورید. دیوارهایی را که همچنان سیاست معلم محوری را تأیید

## اداره سازمان نوسازی مدارس

### و نه کمک‌کننده در بازسازی مدارس

می‌پرسم آیا برای ساخت این طرح از نوسازی کمک گرفته‌اید؟ مدیر می‌گوید: از نوسازی کمک گرفته‌ام، اما آن‌ها چند طرح ساخته شده از مدارس را از طرح‌های سنگ و کامپوزیت و دیگر مصالح جدید جلوی من گذاشتند و گفتند که اگر دوست داشتید یکی از آن‌ها را انتخاب کنید. من نیز به ایشان گفتم که برای این مدرسه طراحی جداگانه‌ای می‌خواهم؛ طرحی جدید و خاص؛ معماری اسلامی.

متأسفانه در این زمینه نتوانستند هیچ کمکی به ما بکنند. سازمان نوسازی حکم یک اداره بود تا یک همفکر کنار بنده، یک پژوهشگر یا یک طراح معمار. آن‌ها فقط در روند اداری به من کمک کردند که مثلاً بنده این اجازه را دارم که بعد از ۱۲ سال؟ (نمی‌دانم؟) نما را تغییر دهم. بگذریم که این اجازه را باید از نهادهای دیگری هم، به خصوص شهرداری، می‌گرفتیم و عملاً در بازی اداری گیر کرده بود.



**تغییرات اساسی در مدرسه‌تان به وجود آورید. دیوارهایی را که همچنان سیاست معلم محوری را تأیید می‌کنند بشکنید و طرحی نو دراندازید و بعد روی آن لباس زیبایی معماری سنتی و اسلامی ببوشانید**

اضافه کردن دیوارها)، موضوعی جذاب برای تابستان‌های (زمان تعطیلی مدارس!) مدیران مدارس باشد.

### پژوهش، طراحی، ساخت

متأسفانه مدارس کنونی کشور ما و مدرسی که در دو دهه اخیر متولیش همان سازمان نوسازی مدارس است، دچار نوعی تمرکزگرایی شدید شده‌اند که ماحصل آن جز سادگی بیش از حد ساختمان‌ها در طراحی و ساخت مدارس، ناهمخوانی این طرح‌ها با مدارس قدیم ایران است. ما در معماری مدارسمان آنچه را که داشته‌ایم از دست داده‌ایم و آنچه را که اصلاً مال ما نبوده است برگزیده‌ایم و به‌طور مکرر تکرار می‌کنیم. به بهانه نظارت کامل نوسازی مدارس در ساخت و طراحی، این طرح‌ها تکرار می‌شوند، به این امید که مدارس بهتری برای ایران ساخته شوند، در حالی که این روند چیزی جز «تغییر» را به دنبال ندارد.

ساختمان‌های زندان ماندی برای فرزندانمان ساخته‌ایم، در حالی که باید تغییر کنند تا تمام خواسته‌های معلم و مدیر را فراهم کنند، چرا که دیگر کلاسی چهار دیواری با راهروهایی تاریک و بدون خلاقیت نمی‌تواند پاسخگوی این روح پر از خلاقیت و زیبایی ایرانی باشد. وقتی تغییر لاجرم اتفاق می‌افتد، باید سازمان و دیگر ارگان‌های مرتبط نگران هدررفت هزینه‌ها باشند. باید از تمرکزگرایی به شدت بکاهند. باید اجازه دهند ابتدا معماری در همخوانی کامل نیازهای آموزشی جدید قرار گیرد و در یک هماهنگی با معماری قدیم ما ساخته شود. کاری که این مدرسه در تغییر نمای مدرسه‌اش انجام می‌دهد، اما حیف که فقط لباس مدرسه را عوض می‌کند. نگران درون مدرسه نیستیم، در حالی که معماری مدارس قدیم، چیزی جز آزادی در یادگیری، سیال کردن فضا در مسیر یادگیری، تلفیق فضای باز و بسته در عمق معماری و نداشتن راهرو نیست. شاید چیدن آجرها به شکل زیبا، و تلفیق آن با رنگ فیروزه و حفره حفره کردن نما برای تهویه و زیبایی پوسته ساختمان، در اولویت‌های بعدی قرار می‌گرفتند. چیزی که متأسفانه در بسیاری از ساختمان‌های کنونی به آن بسیار توجه شده است.

ابتدا پژوهش کنیم، بعد طراحی کنیم و پس از آن بسازیم. عکس این روند در کشور ما پیامدهایی داشته و دارد که هم اکنون نماهای زشت و ناهمگون را در شهرهایمان و به خصوص در مدارسمان می‌بینیم.

می‌کنند بشکنید و طرحی نو دراندازید و بعد روی آن لباس زیبای معماری سنتی و اسلامی ببوشانید. در این صورت است که نه هزینه‌های گزاف طرح‌های سنتی شما هدر می‌رود و نه زیبایی مدرسه ظاهری و کلیشه‌ای خواهد بود.

### هدررفت منابع و مصالح

تغییر در مدارس یا هر ساختمان عمومی دیگری، از یک منظر وسوسه برانگیز و از منظر دیگر خطرناک است. هر روز مصالح جدیدتری به صنعت ساختمان‌سازی اضافه می‌شود و این وسوسه برای نو شدن، از دیرباز در صنعت ساخت وجود داشته است. در مقایسه با کشورهای پیشرفته‌تر از خودمان، شاهدیم که بازسازی در کشور ما بسیار سریع‌تر انجام می‌شود تا کشورهای دیگر. به این معنی که به فرض در کشورهای دیگر، ساختمان‌های با قدمت ۳۵ سال به بالا، فقط کمی مرمت می‌شوند و حتی ساختمان‌های با عمر بالاتر هم حفظ می‌شوند. در اینجا بیشتر از آنکه در زمان طراحی روی چگونگی ساختمان فکر کنیم، برای ساخت آن عجله می‌کنیم. در بسیاری از طرح‌های مدارس پی‌ریزی انجام می‌شود، قبل از اینکه طراحی ساختمان کامل شده باشد. این اتفاق باعث می‌شود که ده سال دیگر این ساختمان نتواند نیازهای عادی کاربران آن را، چه از لحاظ عملکرد و چه از لحاظ زیبایی شناختی، برآورده سازد.

به همین دلیل دست‌اندرکاران آن به تغییر دادن ساختمان برای همخوانی با نیازهایشان دست می‌زنند و باز پنج سال بعد، اگر بودجه‌ای باشد، دوباره دستی بر مکان‌های دیگر آن می‌کشند. این اتفاق به قدری در ساختمان‌های آموزشی باب است که گویی هر تابستان مدیر مدرسه (اگر بودجه‌ای باشد!) به تغییر بخشی یا کل ساختمان مشغول می‌شود. این تغییر می‌تواند چه از نظر تغییر کاربری فضاها و چه از نظر زیباسازی جزئی (رنگ‌آمیزی، تغییر مبلمان، تعویض جنس کف، تعویض پنجره‌ها، تعویض سیستم‌های تهویه، تخریب و

